

## تشکل دگر حدیدین

### آریل شاتوت و مادمازل میسره!

تغییر تشکیلات خودچرخان (همون خودگردان)

این مادمازل میسره اسماً دستیار بنده است، اما رسماً نه بو دارد نه خاصیت! به قول مرحوم به قولی «دنیا را آب ببرد ایشان را خواب می‌برد. چه جور!»

چند روز پیش بنده (کوچیک شما مادمازل میمنه) به او تشر زدم که خانم حسابی آخر اعلام موجودیتی، اظهار وجودی، تعیین مواضع‌ای، حضور فعالی، چیزی از خودت نشان بده، آخه تو چه همکاری هستی؟ خیلی خونسرد جواب داد: باشه، به موقعش! گذشت تا همین دیروز که چندین و چند نسل سومی سوخته ایمیل زدند که چرا این «مادمازل میسره» موضع خودش را درباره تشکیلات خودچرخان شارتون خپله و تبدیل آن به یک نهاد صرفاً مدنی خیر بدوی اعلام نمی‌کند؟

دیدم موقعش رسیده. «مادمازل میسره» را صدا زدم و گفتم: بفرما! حالا دیگه چه می‌گی؟ زود باش موضع خودت رو اعلام کن تا جوونا بدونن.

گفت: حالا چه لازم کرده؟

گفتم: حرف‌ها می‌زنی، «میسی جون!» پس ما از کجا بدونیم که تو از کدوم جناحی؟ در کدوم طیفی؟ با کدوم جریانی؟ و ... همین‌جور کشکی که نمی‌شه!

بیچاره به تهنیه افتاد و گفت: هرچه شما بفرمایید!

گفتم: هرچه شما بفرمایید که نشد حرف! بالاخره با تشکیلات خودچرخان آریل شاتوت موافقی یا مخالف؟

گفت: شما خودت چی، هستی؟

گفتم: تفتیش عقاید می‌کنی! من این‌وری باشم یا اون‌وری به تو چه ربطی داره؟

گفت: بنده هم IT00 به قول مرحوم مغفور «هرچه نیرزد به شنیدن مگو!»

گفتم: نشد ... فقط یک کلمه! بگو موافقی یا مخالف؟

گفت: مادمازل میمنه، من پدرم عیالواره. قسط جهیزیه دارم. قصد ازدواج هم دارم. ضبط‌صوتی، چیزی که روشن نیست؟

گفتم: خیر!

گفت: دوربین موربین که توی سوراخ سمبه‌های در و دیوار جاسازی نکردی؟ نامحرمی؟ چیزی...؟

گفتم: نه، خواهر جون!

گفت: فردا پس‌فردا از توش حرف در نیاد؟ نان بنده آجر نشه؟

گفتم: نه، خواهر! ازچی می‌ترسی؟

گفت: نمی‌ترسم... احتیاط می‌کنم. خودت می‌دونی که دیوار بوش داره، بوشم می‌گن گوش داره.

گفتم: من این خزعبالات سرم نمی‌شه. اعتراف کن. موافقی یا ...؟ سرش را آورد بیخ گوشم. همین‌جور که یک چشمش به سوراخ سمبه‌های در و دیوار بود، گفت: دور از جون جناب شارتون مارمولک، مخالف!

حالا می‌فهمم که چرا اسمش را گذاشته «مارمازل میسره»

فدای همه‌تون!

دات‌کام، نماینده قشر پرشروشور جوان، [www](http://www)

• ف . عسگری



علی‌سود

## لبنانچراش

### تربیت دینی

کمتر جامعه‌ای با دین و تربیت ارتباط

ندارد. نگاهی گذرا به تاریخ بشر نشان می‌دهد

که همه جوامع به نوعی دیندار بوده‌اند، خواه جوامع ابتدایی و ساده یا جوامع نسبتاً پیشرفته و پیچیده، خواه جوامع کوچک و محدود یا جوامع بزرگ و وسیع. برای مثال، هم امپراتوری‌های بزرگی مانند ایران و روم و مصر پایبند به دین خاص خود بوده‌اند، و هم کسانی مانند اعراب ساکن در بیابان‌های خشک شبه جزیره عربستان، که دردورافتاده‌ترین نقاط زمین زندگی می‌کردند

«تربیت دینی» کتابی اخلاقی است، که به بررسی سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت پرداخته و با بیانی شیوا و در عین حال متنوع با ذکر دغدغه‌هایی از شیوه‌های تربیتی این بزرگواران، خواننده را به درک نکات تربیتی از منظر دین راهنمایی می‌کند.

بحث‌های این کتاب بخشی از تربیت اسلامی است. با محور «تربیت اعتقادی و عبادی در سیره تربیتی پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و اهل بیت علیهم‌السلام» به دیگر سخن، نگارنده درصدد است با طرح سؤالاتی در این زمینه، به تشریح روش تربیتی و اخلاقی امامان معصوم بپردازد. اهل بیت چگونه اعتقادات و عبادات را به مسلمان آموزش می‌دادند؟ چگونه بذر ایمان به خدا، پیامبر، امامت و معاد را در جان آنان می‌کاشتند و رشد می‌دادند؟

چگونه عبادات اسلامی (نماز، روزه، ذکر، دعا، تلاوت قرآن و ...) را به آنان می‌آموختند؟ و بالاخره چگونه آنان را به انجام این عبادات پایبند می‌کردند؟

برای نمونه، یکی از برخوردهای تربیتی اهل بیت - علیهم‌السلام - را که در این کتاب آمده است می‌خوانیم:

روزی امام کاظم - علیه‌السلام - از کنار منزلی می‌گذشتند، صدای ساز و آواز از آن بلند بود. معلوم بود که در آن خانه بساط عیش و عشرت گسترده‌اند. در این هنگام کنیزک خدمتکار نیز در حال خالی کردن خاکروب‌های منزل بود. امام - علیه‌السلام - از کنیزک پرسید: صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ گفت: آزاد! امام فرمود: معلوم است که آزاد است! اگر بنده بود، پروای پرودگار خود می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

هنگامی که کنیزک برگشت، ارباب او که مشغول می‌گساری بود، گفت: چرا دیر کردی؟ گفت: مردی از اینجا می‌گذشت و چنین حرفی زد. صاحب‌خانه که نامش بشر بود، برخاست و با پای برهنه دوید تا به امام کاظم - علیه‌السلام - رسید و در حضور او توبه کرد و عذرخواست و گریست.

خطیب می‌گوید: او در ورع و زهد سرآمد معاصران خود شد.

مطالب این کتاب در چهار بخش گنجانده شده است.

بخش اول: تربیت اعتقادی که چهارفصل خداشناسی، نبوت، امامت و معاد را دارد.

بخش دوم: تربیت عبادی.

مؤلف در بخش سوم به روش‌های تربیت دینی می‌پردازد. در این بخش تربیت دینی به پنج روش مهم و اصلی تقسیم می‌شود، که عبارت‌اند از ترغیب و ترهیب، موعظه و ارشاد، تذکر، امر و نهی.

بخش چهارم: در این بخش سه موضوع جاناگانه، اما مهم در سیره تربیتی پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و اهل بیت - علیهم‌السلام - مطرح می‌شود. این سه موضوع عبارت‌اند از رفق و مدارا، آداب و رسوم اجتماعی و تربیت دینی و والدین و تربیت دینی. این کتاب را آقای محمد داوودی در چهارجلد تالیف، و انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه نیز آن را منتشر کرده است.

تربیت دینی

محمد داوودی  
زیر نظر علیرضا اعرابی